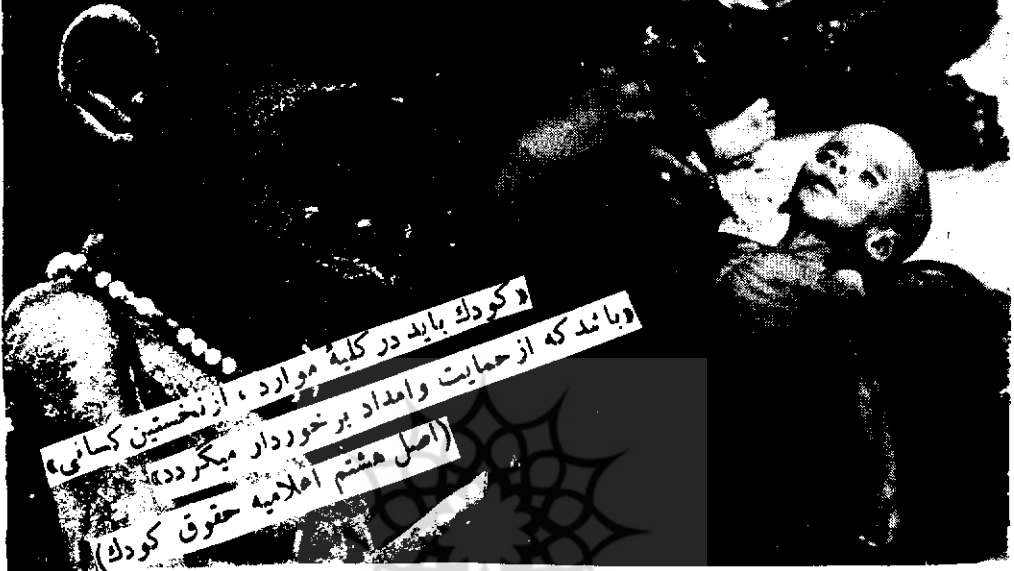


# حمایت و امداد کودکان!



«کودک باید در کلیه موارد، از نخستین کسانی،  
وباید که از حمایت و امداد برخوردار میگردد»  
(اصل هشتم اعلامیه حقوق کودک)

## آیا قبول دارید که در جامعه همیشه افرادی هستند که باید تحت حمایت و امداد قرار گیرند؟

دشوار است که به عنوان يك وظیفه قبولش کنند . اینها خود را در برابر آه و ناله و مرگ تدریجی محرومان جامعه، بهیچوجه مسؤول و موظف نمیدانند. اگر هم احیاناً عواطفشان تحریک شد و بخاطر آنها دست به جیب بردند؛ یا قدمی برداشتند یا حرفی زدند؛ به حساب بزرگواری ایشان است؛ نه به حساب انجام وظیفه!

ولی تردیدی نیست که این طرز تفکر، منطقی و معقول نیست. حتی حیوانات هم تاحدی خصیصهٔ حمایت از افراد ناتوان همونوع خود - مخصوصاً

شاید بعضی تصور کنند که حمایت در ماندگان، وظیفه‌ای نیست که بتوان در ردیف دیگر وظایف؛ حسابی برایش باز کرد. آخر وظیفه چیزی است که مسؤولیت داشته باشد. مسؤولیت‌ها هم مختلف است: مسؤولیت دینی، مسؤولیت اخلاقی و وجدانی؛ مسؤولیت قانونی، مسؤولیت عرفی و... بدیهی است که اینگونه افراد، از آنجا که دین و اخلاق را از حساب خارج میدانند، بیشتر به آن چیزهائی وظیفه اطلاق می‌کنند که از کيفر قانونی آن یمناک باشند. اما آنچه کيفر قانونی ندارد؛

درماندگان را صورت فردی و شخصی داده است؛ تا هر کسی خود را موظف و ملزم بدانند که نیرو-های اضافی خود را در راه خیر و سعادت انسان‌ها بکارانند.

\* \* \*

این برنامهٔ اسلام دو فایدهٔ بسیار مهم دارد: ۱- پرورش عواطف انسانی و حسن نوع دوستی و ضعف نوازی در وجود افراد مرفه ۲- بهره‌مند شدن طبقه مستمند از محبت و نوازش دیگران و دلگرمی و اطمینان آنها به محیط زندگی.

هر دو فایده مهم است. بقول و بکتور هوگو: چیزی از روح انسان نباید حذف شود. باید تکمیل گردد. انسان بی‌نیاز و مرفه؛ باید عواطف انسانیش بکار افتد و انسان نیازمند و ناتوان هم باید دلگرم و پشت‌گرم و بهره‌مند از محبت دیگران باشد.

شما طفلی را در پرورشگاه با بهترین برنامهٔ غذایی بزرگ کنید و طفل دیگری را با برنامهٔ غذایی متوسط یا پائین ترا از متوسط، ولی در دامن پرمهر مادر و تحت نظارت و عطوفت پدرانۀ پدر پرورش دهید، آنگاه ببینید کدامیک سالمتر و شادابتر و در نشیب و فراز زندگی کامیاب‌تر است؟!

مسلمان‌دومی. زیرا اولی چیزی از روحش گرفته شده و فقط به شکمش توجه شده. ولی دومی چیزی از روحش کم نشده، شکمش هم سیرگشته؛ فقط از اولی کمتر خورده ولی آنچه خورده، با طراوت و شادی و نشاط و محبت خورده! بعلاوه در مورد دومی؛ نیازهای مادری و پدری

بچه‌های خود دارند و رعایت هم میکنند. بدون شك؛ انسان باید این خصیصه را تمامتر و کاملتر داشته باشد.

باید اذعان کرد که مسألهٔ حمایت از ناتوانان، چیزی بالاتر از یک عمل عاطفی و یک دلسوزی بزرگوارانه است. نمی‌گویم: عاطفه و دلسوزی و بزرگواری را در آن مدخلیتی نیست. می‌گویم: وظیفه‌ای است که عاطفه و بزرگواری و دلسوزی هم پشتوانهٔ آنند. مگر چه مانعی است که انجام وظیفه هم با عشق و مهر و ترحم و نوع دوستی توأم باشد!؟

متاسفانه بشرا روز برای این مسأله در زندگی خصوصی و شخصی خود جایی باز نکرده. فقط در برنامهٔ دولتها و حکومتها بودجه‌ای به این کار اختصاص یافته است. اینکه این وظیفه؛ از دوش فرد بدوش مؤسسات اجتماعی گذاشته شده؛ خود دلیل روشنی است بر اینکه احساس مسؤولیتی هست و ناتوانان باید مورد حمایت قرار گیرند؛ تا دیگران هم آرامش خاطر داشته باشند.

اما باید اذعان کرد که کارها وقتی جنبهٔ قانونی و اداری پیدا میکند، جنبهٔ عاطفیش را از دست می-دهد و بصورت فرمول خشک اداری با نقائص بی-شمار، انجام می‌پذیرد. بعلاوه، ممکن است افراد بسیاری با کمال استحقاقی که دارند؛ محروم بمانند و افرادی هم بدون داشتن استحقاق، بسوء استفاده پردازند.

اسلام؛ بدون اینکه با اقدامات اجتماعی خیر-خواهانه مخالف باشد؛ مسألهٔ امداد و حمایت

نیست که این توان و قدرت ، مالی باشد یا فکری یا جسمی .

آنها که از نظر فکری قویتر یا از نظر جسمی سالمتر و نیرومندترند یا از نظر مالی امکانات بیشتری دارند؛ موظفند که به امداد آنها که از نظر جسمی یا فکری یا مالی نیاز به حمایت دارند ؛ بشتابند .

اگر این برنامه اجرا نشود ، نیروها و توانهای اضافی بمصرف شخصی می رسد و در راه تمایلات شخصی بکام می افتد . افراد متوسط اجتماع هم قط بخودشان بیشتر نمیتوانند برسند . بقیه هم در نیمه راه ها و امانده و پریشان حال ؛ با سر نوشت شومی که طراحش دیگرانند ؛ دست بگیرانند .

نتیجه معلوم است چیست ؟ رکود و درجا زدن اجتماع ! و دیگر هیچ !

\* \* \*

خوشبختانه در مورد کودکان ، مسؤولیت و عواطف و محبت ؛ دست بدست هم داده اند و به همین جهت است که اگر در جامعه رشد و درایت کافی باشد و در پدران و مادران آگاهی و خط مشی صحیح وجود داشته باشد ، هیچ کودکی از حمایت و امداد صحیح محروم نمیشود . آری حمایت و امداد صحیح ! والا هر پدری و هر مادری بحکم همان عاطفه و محبتش تا سرحد جانفشانی هم که باشد ؛ از حمایت و امداد ، خودداری و فروگذاری نمیکند . ولی

يك مردوزن که مربوط به روح ایشان است، ارضاء شده و در مورد اولی چنین نیست .

وقتی هر فردی موظف باشد که به ارحام و بستگان دور و نزدیک خود برسد و همسایگان و برادران دینی خود را مورد توجه قرار دهد و از امداد آنها در هیچ راهی فروگذار نکند و این وظیفه را مثل هم وظایف دیگر لازم الاجراء شمارد ، مسلم است که فردی محروم و مستمند باقی نمیماند که در زیر این پوشش امدادی در نیاید .

قرآن به پیامبر میگوید : « آنها را که طلا و نقره را ذخیره میکنند و در راه خدا - که همان راه نیازمندان و مستمندان است - مصرف نمیکنند ، بعدایی در دناك بشارت

۵۵» (۱)

و همچنین میگوید : « و ای بر آنان که از نمازشان غفلت می کنند و بکمک مستمندان رغبتی ندارند» (۲) و بالاخره نیکی به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایگان دور و نزدیک و کسانی که در راه سفر گرفتار مانده اند ، در ردیف یکتا پرستی توصیه و سفارش میکند . (۳)

بر حسب این دستورات که در متن کتاب آسمانی ما آمده است ؛ هر کسی تا آنجا که ممکن است باید قدرت و توان اضافی خود را در راه آنها که دچار کمبود توان و قدرت هستند ؛ بکار اندازد . تفاوتی

(۱) الذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم (توبه ۳۴)

(۲) فویل للمصلین الذینهم عن صلاتهم ساهون الذینهم یراؤون و یمنعون الماعون (الماعون)

(۳) و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئا و بالوالدین احسانا و بذی القربی و الیتامی و المساکین و الجارذی

القربی و الجار الجنب و الصاحب بالجنب و ابن السبیل (النساء ۳۶)

عاطفه و محبت کور کورانه، نمیتواند منشأ حمایت ها و امداد های صحیح و معقول باشد .

مسأله حمایت و امداد کودکان همچون دیگر ناتوانان؛ در قرآن کریم از پراهمیت ترین مسائل است. زیرا چنانکه میدانیم قرآن برای تبلیغ و حفظ ایدئولوژی و ایمان؛ جنگیدن در راه خدا را از بزرگترین و بهترین کارها شمرده است و جالب این است که برای کمک به طبقه کودکان و ناتوانان سفارش کرده است که از همین ابزار قاطع و مؤثر، بطور کامل استفاده شود . پیروان قرآن موظفند برای نجات و حمایت این گروه؛ تا سرحد جان بکوشند . (۱)

اینکه در روایات اسلامی توصیه شده است که با امداد دیگران کاری کنید که بلاها و کوتاهی عمر

را از خود دور کنید ، يك علت عمده روانیش این است که شخص امدادگر در پیشگاه وجدان خودسر-فراز است و در نتیجه از يك آرامش و نشاط کامل درونی برخوردار است . بدون تردید اشخاصی که در درون خود دنیائی از نشاط و آرامش آفریده اند. در برابر بیماریها و مشکلات ؛ نیرومند و توانایند و بنابراین هم طول عمر بیشتری پیدامیکنند و هم کمتر با بیماریها دست بگریباندند .

امداد و حمایت کودکان - از تمام راهها - نتیجه اش شکفته شدن استعداد آنها و به اوج ترقی رسیدن ایشان است . این امر خود باعث نشاط و خوشنودی خاطر امدادگران و حمایت کنندگان میشود و نتایج آن از نظر پوشیده نیست .

## آثار گناه

پیامبر گرامی (ص) می فرماید:

إِذَا ظَهَرَ الزَّيْنَةُ وَالرِّبَا فِي قَرْيَةٍ فَقَدْ أَحْلَوْا بِأَنْفُسِهِمْ عَذَابَ اللَّهِ

هنگامی که آمیزشهای حرام و ربا و بهره‌واری در جامعه‌ای

آشکار شود، مردم آن سامان عذاب خدا را بر خود مباح کرده‌اند.

(نهج القصاحه ص ۲۲)

۱- مالکم لاتقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والولدان والنساء (نساء ۷۵)